

مَسْنُ العَاقِبَةِ

الدرس التاسع



٢- فيم : في + ما

١- سعيد و يُترن من أصحاب الإمام الحسين (ع) في واقعة كربلاء.

٣- شكون آخر الكلمات لوزن الشعر.



الْحَرّ:

نَحْنُ عَطَشَى*، يَا بِنْتِ
بِنْتِ الْمُصْطَفَى.

الإمام (ع):

كُلُّكُمْ يَعْرِفُ أَنِّي طَالِبُ إِصْلَاحِ أُمَّةٍ
أَفْسَدْتُهَا الطَّاعِيَةَ*، حَكَمْتُهَا بِأَعْيَةِ*.



الإمام (ع):

وَرَعَوْا* أَلْمَاءَ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْنَا بِالتَّسَاوِي وَغَدًا يَأْتِي* الْفَرَجُ*.



الْحَرّ:

بَلْ نُصَلِّي كُنَّا
خَلَقَكَ يَا
سَيِّدَ الرِّسُولِ.

الإمام (ع):

حَاتِبِ الْآنَ الصَّلَاةُ، أَتُصَلِّي بِرِجَالِكَ؟

الإمام (ع):

أَفَلَا أَنْتُمْ بَعَثْتُمْ لِي رَسُولًا وَ
صَرَخْتُمْ مِنْ مِظَالِمِي*!؟

الْحَرّ:

يَا حَسِينَ بَايِعْ* أَنْتَ أَوْ تَسَلَّمْ*.

بُرَيْرٌ:

لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى مَنْ رَوَعَ*
أَلَّ الرِّسُولِ.



الإمام (ع):

رَبِّ فَاشْهَدْ* . خَذَلُونَا* . كَذَّبُونَا .
قَدْ تَوَكَّلْنَا عَلَيْكَ . رَبِّ فَاشْهَدْ . ظَلَمُونَا .

لَمَّا سَمِعَ الْحَرُّ كَلَامَ الْإِمَامِ (ع) أَقْبَلَ* عَلَى الْقَوْمِ .

الْحَرّ:

أَتُقَاتِلُ أَنْتَ هَذَا الرَّجُلَ؟



ابن سعد :

إي*، قتالاً*، سشاهد فيه إسقاط*
الزؤوس*.

الحرّ يفترب* من الإمام (ع) و هو يرتعد*.

أيها الحرُّ لماذا ترتعد؟ أنت من أشجع*
أهل الكوفة*.



ثمّ جاء الحرُّ نحو* الإمام (ع) نادماً :

يا إلهي إني روعت* أبناء الرسول*.
فلذا أطلبُ منك المغفرة و أريدُ
المعذرة*.

الحرّ : إني شاهدتُ نفسي بين نارٍ و نعيم*.



إنّه سبّطُ النبي، إنّه عينُ علي*.

هل ترى لي يا إلهي توبة؟!

سمع الإمام (ع) نداءه و قال :

عاد* - وَاللَّهِ - فَنانَا* الحرَّ حرّاً*.



١- من كتاب «الحسين نافرًا و شهيداً» للشرقاوي بتصريف و هو أحد الأباء المسلمين من إخواننا أهل السنّة في مصر.



جهان کلمات

زبان یکی از وسایل به تصویر کشیدن رویدادها و پدیده‌های جهان هستی است. هرآنچه در طبیعت رخ می‌دهد، زبان، آن را در قالب کلمات درمی‌آورد.
از این رو طبیعی است که دنیای کلمات نیز از مقوله «فعل» و «فاعل» جدا نباشد.

تفسیر
هر فعلی، فاعلی دارد. پدید آمدن فعل، بدون فاعل، محال است.

فعل

آیا اقسام و حالات «فعل» را به خاطر می‌آورید؟
آیا می‌توانید در عبارت‌های زیر «فعل»‌ها و نوع آنها را تشخیص دهید؟

﴿الْتَجَمُّ وَ الشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾
﴿كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ﴾
﴿إِصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

دانستیم که

«فعل» همیشه همراه «فاعل» می‌آید.

اِمَّا

راه تشخیص فاعل چیست؟

تشخیص از طریق علامت

«فاعل» علامتی دارد که با دیدن آن به «فاعل» بودن کلمه یقین حاصل می‌کنیم.

تشخیص از طریق معنا

مطمئن‌ترین راه برای یافتن فاعل در جمله، ترجمه عبارت و درک مفهوم جمله است.

□ در زبان فارسی «فاعل» جمله را چگونه تشخیص می دهیم؟
مثال بزنید.

- سؤال کردن با «چه چیزی» یا «چه کسی» چگونه ما را در یافتن فاعل کمک می کند؟ مثال بزنید.
- آیا در زبان عربی هم می توانیم از چنین روشی استفاده کنیم؟



حال از خود سؤال کنید :

پس از یافتن فاعل از طریق معنا، به اعراب کلمه نگاه کنیم، آیا علامت مورد نظر را دارد؟

علامت فاعل

اعراب فاعل «رفع» است.

نام گذاری

هرگاه فعل در آغاز جمله بیاید، به آن «جمله فعلیه» می گوئیم.

جایگاه

به تابلوی روبه رونگاه کنیم :

- ✓ هریک از جمله ها با کدام یک از اقسام کلمه شروع شده اند؟
- ✓ آیا از طریق معنای عبارت، «فاعل» را می توانید پیدا کنید؟
- ✓ جایگاه «فاعل» پس از «فعل» است یا قبل از آن؟
- ﴿وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ﴾
- ﴿يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْكَوْكَبُ﴾

«فاعل» در جملات عربی، پس از «فعل» می آید.

کاربرد

یادآوری

آیا اسم های مذکر و مؤنث را به خاطر می آورید؟ علامت مؤنث بودن اسم، کدام است؟
با دانستن مطالب فوق، اکنون به مطالب صفحه بعد توجه کنید :

مطابقت

این نکته را فراموش نکنیم.



۷ فعل از لحاظ **مذکر** و **مؤنث** بودن، تابع فاعل خود می باشد؛ مانند:

مذکر: يَدْخُلُ الْمُؤْمِنُ الْجَنَّةَ.

مؤنث: تَدْخُلُ الْمُؤْمِنَةُ الْجَنَّةَ.

ارتباط

آیا ضمایر متصل به فعل را می شناسید؟
ضمایر متصل فعل های ماضی، مضارع و امر در صیغه های چهارده گانه کدام است؟

به کاربرد فاعل همراه صیغه های غایب توجه کنید:

نَجَّحَ الْمُؤْمِنُ . نَجَّحَتِ الْمُؤْمِنَةُ .

نَجَّحَ الْمُؤْمِنَانِ . نَجَّحَتِ الْمُؤْمِنَاتُ .

نَجَّحَ الْمُؤْمِنُونَ . نَجَّحَتِ الْمُؤْمِنَاتُ .

آیا فعل ها در جمله های مختلف تغییری کرده اند؟

آیا فعل ها همراه فاعل آمده اند؟

آیا فاعل به صورت اسم ظاهر آمده است؟

در صیغه های غایب هرگاه فاعل به صورت **اسم ظاهر** بیاید، فعل به صورت مفرد می آید.

حال به مثال های زیر توجه کنیم:

هو	المؤمن نجح.	هي	المؤمنة نجحت.
ا	المؤمنان نجحوا.	ا	المؤمنات نجحن.
و	المؤمنون نجحوا.	ن	المؤمنات نجحن.

هرگاه فاعل به صورت اسم ظاهر نیامده باشد، فعل همراه ضمیری می آید که همان ضمیر، فاعل است.

بیش تر جمله ها در زبان عربی به صورت جمله فعلیه است.

توجه

در صیغه های مخاطب و متکلم - همانند همه زبان ها - فاعل به صورت «ضمیر» می آید؛ مانند:

أَكْتُبُ (أنا) - تَكْتُبُونَ (و) - تَكْتُبِينَ (ي) و ...

قبل از فعل به دنبال «فاعل» نگردیم. اول فعل، سپس فاعل.

پنابراین

فاعل در جمله به سه صورت می آید:

انواع:



﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا﴾

كَلِمَ (أَنْتَ) النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

تشخیص مفعول

- ✓ در زبان فارسی مفعول را چگونه تشخیص می دهیم؟
- ✓ آیا درک مفهوم عبارت، کمکی در این زمینه می کند؟
- ✓ آیا مفعول در زبان فارسی دارای علامتی هست؟

حال به آیات تابلوی زیر توجه کنید:

﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾

﴿وَأَسْأَلُوا اللَّهَ﴾

﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾

در زبان عربی مفعول را چگونه تشخیص می‌دهیم؟

۱- تشخیص از راه معنا

قدم نخست برای تشخیص مفعول به همچون سایر نقش‌ها، فهم معنای عبارت است. در زبان عربی «مفعول به» نیز دارای علامتی است که به وسیله آن می‌توان مطمئن شد که تشخیص ما صحیح بوده و کلمه مورد نظر «مفعول به» است.

علامت اختصاصی مفعول به معمولاً **فتحه** (ـَ) است، یعنی «مفعول به» پیوسته منصوب می‌باشد.

جایگاه

«مفعول به» معمولاً بعد از **فاعل** می‌آید.



ضمایر منفصل منصوب (إِيَّاكَ و ...) و نیز ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه، هرگاه با فعل بیایند، غالباً مفعول به هستند.

فرق میان معنای «نَصْرَةٌ» و «نَصْرُهُ» چیست؟

جار و مجرور

به تابلوی روبه‌رو توجه کنید:

﴿ لَا تَقْنُطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ﴾
﴿ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴾

آیا اثر فعل «قنوط» به کلمه «رحمة» سرایت کرده است؟
آیا این سرایت به واسطه کلمه دیگری اتفاق افتاده و یا آن که مستقیماً صورت گرفته است؟
در همه زبان‌ها کلماتی این چنین را از مقوله «مفعول»‌ها و یا «متمم»‌ها به‌شمار می‌آورند.
در زبان عربی نیز این چنین است.

اما...

چون این کلمه همراه واسطه‌ای ذکر می‌شود، به آن **مفعول به** گفته نمی‌شود.

حال به تابلوی روبه‌رو

نگاه کنیم:

﴿ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ﴾ ﴿ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴾

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾ ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ ﴾

﴿ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ﴾

نام‌گذاری

به حروفی مانند: «**مِن**» (از)، «**فِي**» (در)، «**إِلَى**» (به، به سوی)، «**لِ**» (برای)، «**عَلَى**»

(بر، روی)، «**بِ**» (با)، «**ك**» (مانند)، «**عَن**» (از) «**حرف جر**» و به اسم پس از آن‌ها «**مجرور**»

و به هردو «**جار و مجرور**» می‌گوییم.

حروف جر تنها قبل از **اسم** می‌آیند.

از خود سؤال کنید:

– فرق معنایی و نقش کلمه الطالب در دو جمله «ذَهَبَ الطَّالِبُ» و «رَأَيْتُ الطَّالِبَ» چیست؟

– آیا می‌توان گفت که یکی از نشانه‌های اسم بودن، وجود حروف جر قبل از آن است؟

– چرا فعل‌های لازم (ناگذر) به مفعول نیاز ندارند؟

– آیا مفعول به در آغاز جمله نیز قرار می‌گیرد؟



تمارين

التدريب الأول

عين الصحيح أو الخطأ في العبارات التالية:

- | | |
|--|---|
| | ١- قصد الإمام (ع) بحركته، إصلاح أمة رسول الله (ص). |
| | ٢- إنَّ الله قد قَبِلَ توبَةَ «حُرٍّ». |
| | ٣- وَصَلَتْ قَافِلَةٌ الإمام (ع) إلى الكوفة. |
| | ٤- ما أَرْسَلَ أهل الكوفة الرسائلَ لِدَعْوَةِ الإمام (ع). |

التدريب الثاني

أكمل الفراغ بالصيغة المناسبة:

- | | |
|---|---|
| ١- ... العَمَلُ الصَّالِحُ دَرَجَةٌ الْإِنْسَانِ. | (يَرْفَعُ، تَرْفَعُ، يَرْفَعَانِ) |
| ٢- أَلْعَمَلُ الصَّالِحُ ... دَرَجَةٌ الْإِنْسَانِ. | (يَرْفَعُ، تَرْفَعُ، يَرْفَعَانِ) |
| ٣- أَلْعِلْمُ وَالْإِيمَانُ ... الْإِنْسَانَ إِلَى اللَّهِ. | (تُقَرِّبَانِ، يُقَرِّبَانِ، يُقَرِّبُ) |
| ٤- ... الْعِلْمُ وَالْإِيمَانُ الْإِنْسَانَ إِلَى اللَّهِ. | (يُقَرِّبَانِ، تُقَرِّبُ، يُقَرِّبُ) |
| ٥- الْمُؤْمِنُونَ ... وَلَا يَكْذِبُونَ أَبَدًا. | (يَصْدُقُونَ، يَصْدُقُ، يَصْدُقَانِ) |
| ٦- ... الْمُؤْمِنُونَ وَلَا يَكْذِبُونَ أَبَدًا. | (يَصْدُقُ، يَصْدُقُونَ، يَصْدُقَانِ) |
| ٧- الْأُمَّهَاتُ ... أَنْفُسَهُنَّ فِي تَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ. | (تُنْعِبْنَ، يُنْعِبْنَ، تُنْعِبُ) |
| ٨- ... الْأُمَّهَاتُ أَنْفُسَهُنَّ فِي تَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ. | (تُنْعِبْنَ، يُنْعِبْنَ، تُنْعِبُ) |

التحليل الثالث

صَحِّح الأخطاء في الإعرابِ والتَّحليلِ الصَّرْفِيّ:

يَنْجَحُ الصَّادِقُ وَيَفْشَلُ الكَاذِبُ.

ينجح : فعلٌ أمرٌ، للغائبِ، مزيد ثلاثي، مبني/فعل مرفوع و فاعلهُ «الصادق» والجملةُ اسميةٌ.

الصادق : اسم، جمعٌ، مذكّر، مشتقٌ و اسم مفعول، معرب/فاعل و منصوب و : حرف، مبنيٌّ على الفتح.

يفشل : فعل مضارع، للغائبة، مجرد ثلاثي، معرب/فعل منصوب و فاعلهُ «الكاذب» والجملةُ فعلية.

الكاذب : اسم، مفرد، مؤنث، جامدٌ، معرب / فاعل و مجرور.

التحليل الرابع

إملاَ الجدولَ من كلمات العباراتِ التالية:

١- يُبَشِّرُ اللهُ الْمُؤْمِنِينَ بِرَحْمَتِهِ.

٢- يَا مُوسَى... أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ﴿﴾

٣- ﴿وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾

٤- الْحَسَنَةُ تُوَدُّهُ * السَّيِّئَةُ.

	اسم ظاهر
	ضمير بارز
	ضمير مستتر
	مفعول به
	جار و مجرور

انواع فاعل

مفعول به — جار و مجرور

التَّعْرِيبُ

«تعريب» یعنی ترجمه کردن به زبان عربی، خواه از زبان فارسی باشد یا از زبان‌های دیگر.

التَّحْرِيبُ الْخَامِسُ

عَرَّبْ * العباراتِ التَّالِيَةَ :

- ۱- علم، انسان را به خداوند نزدیک می‌کند.
- ۲- وقت نماز رسیده است، الآن می‌رویم و نماز می‌خوانیم.
- ۳- آن‌ها نور حق را ندیدند و از حقیقت دور شدند.

التَّحْرِيبُ السَّادِسُ

عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَالْمُضَادَّ: (= ، ≠)

السَّابِ الْعَجُوز	التَّوْب اللَّبَاس	السَّوَاء الْحُسْن
الْجَيْد الطَّيِّب	وَجَدَ فَقَدَ	تَحْتَ فَوْقَ
بَعَثَ أَرْسَلَ	عَلَيْنَا لَنَا	الابن الوَلَدَ
إِقْتَرَبَ إِبْتَعَدَ	الْفَتَى الشَّابَّ	الْحَسَنَةُ السَّيِّئَةُ



- اسم پس از فعل همیشه فاعل نیست. فاعل گاهی در داخل فعل به صورت مستتر قرار می گیرد.
- فعل گاهی در آغاز جمله به صورت مفرد می آید و حال آن که فاعل آن به صورت جمع است.
- در این صورت، فعل را به صیغه جمع ترجمه می کنیم: **كتب الطلاب**: دانش آموزان نوشتند.
- جایگاه مفعول معمولاً پس از فاعل است. اما در همه جای جمله می تواند قرار گیرد. بدین جهت توجه به مفهوم عبارت راهگشای یافتن مفعول یک فعل است.
- ضمائر منفصل منصوب هرگاه در آغاز جمله به کار روند، در ترجمه آن ها، کلماتی از قبیل «تنها»، «فقط» و ... را اضافه می کنیم.

اشکالات ترجمه زیر را اصلاح کنید.

طریق تعلیم العلم

سَجَنَ فرعونُ عالمِ الهندسة «أقليدس». في يومٍ من الأيام قال فرعونُ: أقبَلتَ كلامي؟ قال أقليدسُ: لا. أنتَ تَطَلُبُ شيئاً مُستحيلاً.

راه آموزش علم

فرعون، دانشمند هندسه اقلیدس را زندانی می کند. در روزی از روزها فرعون گفت: آیا سختم را قبول می کنی؟ اقلیدس گفت: نه. تو چیز غیر ممکن درخواست کرده ای.
 صَرَخَ فرعونُ: لا. عَلَّمَنِي الهندسةَ في ثلاثةِ أيامٍ فقط. أ فَهَمَّتْ؟
 فرعون گفت: نه. فقط در سه روز هندسه را به من یاد بده. آیا می فهمی؟
 إِنْسَمَ أقليدسُ و قالَ: يا فرعونُ، طريقُ الملوكِ مخفوفٌ بالأزهارِ و طريقُ العلمِ مخفوفٌ بالمصاعِبِ و المُشكلاتِ.

اقلیدس خندید و گفت: ای فرعون، راه پادشاه با آسانی ها پوشیده شده و راه علم با نگرانی ها و مشکلات. سَمِعَ فرعونُ كلامَ أقليدسِ و صَرَخَ: إِزْجِعْ إلى السَّجْنِ. بَقِيَ أقليدسُ في السَّجْنِ و ما عَيَّرَ نَظْرَتَهُ.
 فرعون سخن اقلیدس را شنید و دستور داد: به زندان برو. اقلیدس در زندان ماند و نظرش تغییر نیافت.
 بعد آیام فتح السجان باب السجن فوجد أقليدس ميتاً و بجانبه ورقة: «ليس أسلوب ملكي لتعليم الهندسة!»
 پس از دو روز زندانبان در زندان را باز کرد و اقلیدس را بیمار یافت و در دستش کاغذی بود: «برای آموزش هندسه روش شاهانه ای وجود ندارد».

پیام آیه شریفه « أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ » کدام است؟

- باید امر به معروف کرد.
- لزوم نهی از منکر را نباید فراموش کرد.
- انسان باید به علم خود عمل کند.
- انسان باید خود نیکوکار باشد سپس دیگران را به کار نیک سفارش کند.

«صفة المؤمن»

الْمُؤْمِنُ بَشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ^١
شَكُورٌ صَبُورٌ، مَعْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ^٢.

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ :

«الحِجَم ٣٣٣»

٢- مَعْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ : غرق اندیشه های خویش است.

١- الرِّفْعَةُ : خودبزرگ بینی